

آیا این مرد به بمب اتم دست پیدا می‌کند؟
نگاهی به بازنمایی مناقشات اتمی ایران در مطبوعات آمریکا

سید علی اصغر سلطانی
استادیار دانشگاه باقرالعلوم، aasultani@yahoo.com

احسان شاقاسمی
دانشجوی دکتری ارتباطات دانشگاه تهران، ehsanshaghasemi@yahoo.com

چکیده:

رسانه‌ها در همه جای جهان خواسته‌های صاحبان خود را بازتاب می‌دهند و صاحبان رسانه‌ها هم برای خود ایدئولوژی دارند. اما این ایدئولوژی‌ها چگونه به نویسندگان مطبوعات منتقل می‌شوند و در قالب متن بازتاب می‌یابند؟ ایدئولوژی‌ها، نگرش‌های خاص گروه‌ها را سازماندهی می‌کنند؛ این نگرش‌ها می‌توانند به شکل نظرات شخصی در مدل‌ها بازنمایی شوند و سرانجام این نظرات شخصی می‌توانند در متون و گفتگوها بیان شوند. با این مفروض، این مقاله به تحلیل چگونگی بازنمایی مناقشات اتمی ایران در یکی از سرمقاله‌های مجله تایم می‌پردازد تا نشان دهد مطبوعات آمریکا چگونه حقایق مربوط به این مناقشات را به شکلی خاص بازسازی می‌کنند تا در راستای سیاست‌های دولت آمریکا باشد. به لحاظ نظری این تحقیق مبتنی است بر دیدگاه اجتماعی - شناختی ون دایک و چارچوب ویژه‌ای که او برای تحلیل سرمقاله‌ها ارائه می‌کند.

کلید واژه‌ها: مناقشات اتمی ایران، تحلیل گفتمان انتقادی، تحلیل سرمقاله، تایم.

مقدمه:

نویسندگان سرمقاله‌های مجله‌های چاپی و الکترونیک نظرها و ایدئولوژی‌هایی دارند که این نظرها و ایدئولوژی‌ها خود به خود روی متونی که به رشته تحریر در می‌آیند، تاثیر می‌گذارند. نظرات و ایدئولوژی‌ها در یک سطح از تحلیل، شامل عقاید یا بازنمایی‌های ذهنی می‌شوند و بنابراین وجهه شناختی به خود می‌گیرند. از سوی دیگر معمولاً ایدئولوژی‌ها و نظرات در رسانه‌های نوشتاری، شخصی نیستند بلکه آنها اجتماعی، نهادی و سیاسی هستند.

ادوارد سعید می‌گوید در دهه ۱۹۷۰ و پس از مواجهه آمریکا با کمبود نفت از آغاز سال ۱۹۷۹ و در نتیجه انقلاب ایران، "اسلام" تبدیل به یک اتهام سیاسی و یک اصطلاح منفی در مطبوعات و رسانه‌های آمریکا شد (سعید، ۱۹۹۷). وی در جایی دیگر به مقاله‌ای اشاره می‌کند که ساندی تایمز در همان روزها چاپ کرد و در آن کارتر به وزارت کشور دستور داده بود تا "تمام توجه همگانی را در جهت ایجاد موج نفرت علیه ایرانیان به کار گیرید" (ترانوا، ۲۰۰۷: ۱۲۹، نقل شده در غیاثیان، ۱۳۸۸: ۱۲۵). این چارچوب در دهه‌های بعد و با حوادث

لبنان، جنگ ایران و عراق، جنگ اول و دوم خلیج فارس و حادثه ۱۱ سپتامبر نیز کاربرد خود را حفظ کرد و البته، این روند با تمرکز مطبوعات غرب بر برنامه هسته‌ای ایران ادامه پیدا کرده است.

براساس این وضعیت "چارچوب‌بندی مسلط این مسئله چنان است که دائماً تکرار می‌کند که ایران غیر منطقی آن قدر قابل اعتماد نیست که سلاح‌های اتمی داشته باشد و آمریکا دارای حق مشروع است تا بر مسئله قابلیت‌های هسته‌ای نظارت و داوری کند" (کومار، ۲۰۱۰: ۲۵۶). این چارچوبی است که در این مقاله بر آن تمرکز خواهد شد.

در بخش اول این مقاله تحلیل گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی به همراه رویکرد ون دایک به تحلیل گفتمان شرح داده می‌شود. در بخش دوم مقاله یکی از سرمقاله‌های مجله تایم را با استفاده از رویکرد ون دایک تحلیل گفتمان انتقادی می‌کنیم.

تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان، به صورتی که امروزه مورد نظر ماست، عمری حدود نیم قرن دارد (سلطانی، ۱۳۸۴). همان طور که گفته شد، گفتمان وجهه سیاسی دارد و بنابراین در تحلیل گفتمان انتظار می‌رود که پای منافع فردی و گروهی به میان آید. تهیه‌کنندگان رسانه‌ای معمولاً بخشی از واقعیت که بهتر منافع آنها را تامین می‌کند را به طور بی‌طرفانه ارزیابی می‌کنند. گفتمان می‌تواند از قابلیت‌های زبان برای رسیدن به مقاصد تولیدکنندگان آن استفاده کند، بنابراین با تحلیل این گفتمان‌ها می‌توان به چیدمان منافع گروهی در رسانه‌ها پی برد. بال^۱ (۱۹۹۰) و تیلور^۲ (۱۹۹۷) معتقدند، با تحلیل گفتمان می‌توانیم بفهمیم که زبان چگونه برخی از تعاریف از مسائل سیاسی را به برخی دیگر غالب می‌کند (به نقل از گرشتل پپین،^۳ ۲۰۰۲). گذشته از این، با تحلیل گفتمان می‌توان به این پرسش که چرا برخی مسائل بیشتر مطرح می‌شوند، پاسخ داد (بال ۱۹۹۰). چولیاراکی^۴ (۲۰۰۴) با تایید نگاه فوکو به تحلیل گفتمان، آن را یک تاریخ از حال^۵ می‌داند که در آن مسائل قومی و سیاسی و روندهای آنها مطالعه می‌شوند. شارون ام لیوسی^۶ (۲۰۰۲) معتقد است، تحلیل گفتمان متن را به عمل اجتماعی ربط می‌دهد و طوری تعریف شده که نهادها، هنجارها، نظام‌های معرفتی، اعمال اجتماعی و زبان را در بر گیرد. از نگاه او بین معرفت و قدرت، ارتباط زیادی وجود دارد. تحلیل گفتمان با مشخص کردن ویژگی‌های شکلی متن (مثل تشبیهات، الگوهای زبانی، و بحث‌ها) و کنش‌های استدلالی شروع می‌کند تا نشان دهد که چگونه زبان، واقعیت‌های درست انگاشته شده‌ای که کنش‌ها را در صحنه وسیع‌تر اجتماعی کنترل می‌کنند را منعکس و بازتولید می‌کند.

ون دایک (۱۹۹۷) تحلیل گفتمان را چیزی فراتر از تحلیل ویژگی‌های متون می‌داند و معتقد است تحلیل گفتمان، این ویژگی‌ها را به ابعاد اجتماعی - فرهنگی تولید متن ربط می‌دهد (به نقل از فخری،^۷ ۲۰۰۴). ون دایک دایره تحلیل گفتمان را به مطالعه نوشته‌ها محدود نمی‌کند و به نانوخته‌ها هم توجه می‌کند (ون دایک، ۱۹۹۵). هاکین^۸ (۲۰۰۲) هم مانند ون دایک معتقد است برای تحلیل یک متن، آنچه گفته نشده هم مهم است و باید مورد توجه قرار گیرد.

تحلیل گفتمان انتقادی

تحلیل گفتمان انتقادی به ما کمک می‌کند تا بتوانیم بفهمیم گفته‌های اشخاص تا چه اندازه نتیجه ایدئولوژی‌های فردی و سیاسی اجتماعی آنهاست و این ایدئولوژی‌ها هنگام رویارویی با جناح مقابل، چگونه مورد بحث قرار می‌گیرند (باتیا، ۲۰۰۶). کولر^{۱۱} (۲۰۰۵) و ون دایک (۱۹۹۵) معتقدند، مسئله درون و بیرون گروه در تحلیل انتقادی گفتمان، مسئله‌ای بسیار مهم و حیاتی است. متون، طوری نوشته می‌شوند که منافع فردی و گروهی را تامین کنند (ون دایک، ۱۹۹۳).

از نگاه پدکارماگال^{۱۱} و رملینگر^{۱۲} (۲۰۰۶)، رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی به ما کمک می‌کند تا با تحلیل ابعاد زبان‌شناختی متن، تولیدات معناشناختی آن را مورد آزمون قرار دهیم. از نگاه این دو، تحلیل گفتمان انتقادی هم نظریه و هم روش است و توجه خاصی به ساختارهای اجتماعی مرتبط، که روابط قدرت را تولید و تقویت کرده، یا تغییر می‌دهند و به چالش می‌کشند دارد. بیشتر قضاوت‌هایی که در تحلیل گفتمان انتقادی انجام می‌شود با ارزش‌ها و نظرها سروکار دارند تا با واقعیت‌ها (فلاوردیو، ۱۹۹۹).

از نظر فرکلاف (۱۹۸۹) و ون دایک (۱۹۹۳)، لفظ انتقادی به این دلیل به تحلیل گفتمان اضافه شده که بتواند روابط میان زبان، قدرت و ایدئولوژی که برای مردم عادی قابل تشخیص نیستند را برملا کند (به نقل از والاسکو ساکرستان^{۱۴} و فورتنس اولیویرا، ۲۰۰۶).

وداک^{۱۶} و همکارانش در دانشگاه وین، رویکرد جامعه - زبان‌شناسی گفتمان^{۱۷} را برای تحلیل انتقادی گفتمان ارائه کرده‌اند. این رویکرد که وداک آن را رویکرد گفتمانی تاریخی می‌داند بر آن است تا به‌طور نظام‌مند همه اطلاعات پس زمینه‌ای در دسترس برای تحلیل و تعبیر لایه‌های مختلف یک متن گفتاری و نوشتاری را به هم گره بزند (سلطانی، ۱۳۸۴). ون دایک (۱۹۹۵) این پس‌زمینه را تاریخ نامیده و معتقد است بدون داشتن تاریخچه‌ای از رویداد مورد اشاره متن، امکان تحلیل گفتمان آن وجود ندارد.

فرکلاف^{۱۸} (۱۹۹۲) در رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی خود، ایدئولوژی را ساخت‌های معنایی‌ای می‌داند که در تولید، بازتولید و تغییر روابط نابرابر قدرت نقش دارند (به نقل از سلطانی، ۱۳۸۴). بدین ترتیب، ایدئولوژی به واسطه معنا با گفتمان و زبان که ابزار تولید معنا هستند، پیوند می‌خورد.

الگوی ون دایک برای تحلیل سرمقاله‌ها

تون آدریانوس ون دایک بر نقش شناخت در تحلیل انتقادی گفتمان، ارتباطات و تعاملات اجتماعی متمرکز شد (سلطانی، ۱۳۸۴: ۵۷). ون دایک در مقاله "نظرها و ایدئولوژی‌ها در مطبوعات" (۱۹۹۸) پس از ارائه نگاه خود به نقش ایدئولوژی در مقالات مطبوعاتی، روش خود برای تحلیل انتقادی گفتمان را شرح می‌دهد.

نظرات و ایدئولوژی‌ها در یک سطح از تحلیل شامل عقاید یا بازنمایی‌های ذهنی هستند و بنابراین رویکرد ون دایک در ابتدا شکل یک دیدگاه شناختی را به خود می‌گیرد. از سوی دیگر، ون دایک معتقد است که ایدئولوژی‌ها و نظرات در روزنامه‌ها معمولاً شخصی نیستند بلکه آنها اجتماعی، نهادی و سیاسی هستند. در واقع وی هر دو رویکرد را با هم ادغام می‌کند و یک نظریه اجتماعی شناختی^{۱۹} ایجاد می‌کند. این نظریه با

بازنمایی‌های اجتماعی مشترک و اکتسابات و استفاده‌های آنها در زمینه‌های اجتماعی سروکار دارد. به باور ون دایک، از آنجا که ما نمودهای گاهی زیرکانه متنی، از نظرات دارای شالوده ایدئولوژیک را مورد آزمون قرار می‌دهیم، این جهت‌گیری اجتماعی شناختی در چارچوب تحلیل گفتمانی قرار خواهد گرفت. این رویکرد در واپس زدن تقلیل نظری‌ای که ویژگی تمام رویکردهای معاصر به ایدئولوژی است، بسیار خوب عمل می‌کند. ایدئولوژی‌ها نیز مانند زبان و دانش، پدیده‌های بسیار پیچیده اجتماعی هستند که به تحلیل‌های مفهومی مستقل و توضیحات تجربی در سطوح مختلف نیاز دارند. بنابراین ایدئولوژی‌ها مانند دانش یا زبان طبیعی یا تا حدودی دستور زبان و نظام‌های قاعده‌مند گفتمانی هستند که زیرساخت استفاده از زبان را تشکیل می‌دهند.

ون دایک معتقد است که ذهن، هم خرد متداول و هم یک مفهوم نظری است. ذهن نه کمتر (و نه بیشتر) از ساختارهای جامعه‌ای نادیدنی و اعمال اجتماعی، واقعی یا مادی است. اعمال اجتماعی کمتر از ایدئولوژی‌ها و عقاید در حال اندرکنش و یا گفتمان، جنبه ذهنی دارند. از دید ون دایک، فقط نظریه‌های ادغام شده اجتماعی شناختی می‌توانند به‌طور کامل توضیح دهند که چگونه ایدئولوژی‌های اجتماعی، اعمال روزمره بازیگران اجتماعی مانند روزنامه‌نگاران را آشکار می‌کنند. این گونه نظریات کاربرد عکس هم دارند یعنی نشان می‌دهند که چگونه ایدئولوژی‌ها از راه اندرکنش روزمره و گفتمان اعضا در زمینه‌های جامعه‌ای روابط گروهی و نهادهایی مانند مطبوعات، می‌توانند تغییر یابند.

مدل‌ها فصل مشترک بین وجوه شخصی و اجتماعی، کلی و خاص و همین‌طور بازنمایی‌های اجتماعی و اعمال آنها در گفتمان و سایر کنش‌های اجتماعی هستند. مدل‌ها اساساً تجربیات روزمره مردم، مثل مشاهده و مشارکت در کنش‌ها، حوادث و گفتمان را بازنمایی می‌کنند. آنها آنچه را که مردم از یک رویداد خاص درک می‌کنند و روش اندیشیدن مردم به این رویداد را تعیین می‌کنند و باعث می‌شوند که این واقعیت و کنش به‌شکل ذهنی تفسیر شود. بنابراین مدل‌ها مشخص می‌کنند که چرا تفسیرهای گفتمان، برسازنده^{۲۰} هستند.

از ایدئولوژی تا مدل. اکنون دیگر زمان آن است که ون دایک حلقه گمشده میان ایدئولوژی و گفتمان را به ما معرفی کند. وی توضیح می‌دهد که چگونه ایدئولوژی‌ها، نگرش‌های خاص گروه‌ها را سازماندهی می‌کنند؛ این نگرش‌ها می‌توانند به‌شکل نظرات شخصی در مدل‌ها بازنمایی شوند و این نظرات شخصی می‌توانند سرانجام در متون و گفتگوها بیان شوند. این روش معمول و غیرمستقیم نمود ایدئولوژی‌ها در گفتمان است. البته ون دایک می‌پذیرد که در برخی اشکال گفتمان، ایدئولوژی‌ها می‌توانند به‌طور مستقیم هم در قالب جملات کلی بیان شوند، اما آنچه برای او در تحلیل انتقادی گفتمان اهمیت دارد، شناخت ساختارهای معناشناختی پنهان در متن است.

ون دایک پس از توضیح مفاهیم به ارائه یک راهکار عملی برای تحلیل گفتمان انتقادی در متون نوشتاری می‌پردازد و مقولاتی را معرفی می‌کند که از نگاه وی، برای تحلیل گفتمانی یک متن و آشکار کردن سوبه‌هایی از روابط که در حالت عادی ناپیدا هستند باید مورد توجه قرار گیرند:

- پیش زمینه‌ها. هیچ تحلیل ایدئولوژیک کارآمدی بدون دستکم مقداری از معرفت نسبت به واقعیاتی دربارهٔ پیش‌زمینه تاریخی، سیاسی یا اجتماعی در مناقشه، مشارکت‌کنندگان اصلی آن، زمینه‌های مناقشه و موقعیت‌ها و بحث‌های پیشین، ممکن نیست؛ بنابراین ون دایک در تحلیل متون مطبوعاتی به فقدان دقت عمدی و یا غیر عمدی نویسنده در مورد پیش زمینه مسئله، توجه خاصی نشان می‌دهد.

- زمینه. برای درک جایگاه ایدئولوژیک مؤلف (نویسنده یا گوینده)، زمینه ارتباطاتی باید توصیف شود: عضویت گروهی مؤلف، هدف رویداد ارتباطی، ژانر، مخاطبان، چیدمان^{۲۱} (زمان، مکان)، رسانه و غیره. می‌توان از راه موقعیت‌بندی یا کارکردهای گفتمان، کارکردهای ایدئولوژیک آن را توضیح داد.

- مقوله‌های ایدئولوژیک^{۲۲}. ایدئولوژی‌ها، بدیهیات پایه بازنمایی‌های مشترک اجتماعی از گروه‌ها، در مورد خودشان و روابطشان با سایر گروه‌ها هستند. این روابط شامل مقوله‌هایی از معیارهای عضویت، فعالیت‌ها، اهداف، ارزش‌ها و منابع مهم گروهی هستند. ون دایک از ما می‌خواهد در متن، دنبال نموده‌هایی باشیم که به این مقوله‌های پایه ارجاع شده باشند و منافع و هویت گروهی که مؤلف به آن تعلق دارد را تعریف کرده باشند.

- قطبی‌سازی. قطبی‌سازی، که همان ارائه مثبت خود و ارائه منفی دیگران است، در بیشتر گفتمان‌های ایدئولوژیک وجود دارد. از آنجا که ایدئولوژی‌ها شامل ارزش‌ها می‌شوند، به‌طور معمول در شکل عقاید و نظرهای ارزیابانه^{۲۳} ظاهر می‌شوند. ون دایک معتقد است برای تحلیل یک متن باید تمام نظرهایی که چنین قطبی‌سازی ارزیابانه‌ای از "ما" و "آنها" انجام می‌دهند، را پیدا کرد.

- تلویح. نظرهای ایدئولوژیک همیشه به‌شکل صریح بیان نمی‌شوند. آنها بیشتر تلویحی، از پیش فرض شده، پنهان، مردود یا پذیرفته شده، انگاشته می‌شوند. بنابراین مهم است که ساختارهای معناشناختی متنی، برای اشکال گوناگون تلویح و انکار غیرمستقیم، مورد توجه قرار گیرند.

- ساختارهای صوری^{۲۴}. اشکال مختلف گفتمان می‌توانند به‌طور غیرمستقیم در بیان، یا نشان دادن جایگاه‌های ایدئولوژیک هم دخیل باشند. ویژگی‌های ساختاری می‌توانند اطلاعات و نظرها درباره "ما" یا "آنها" را مورد تأکید قرار دهند یا از آنها تأکیدزایی کنند.

تحلیل سرمقاله تایم

اکنون که با روش تحلیل نظری و عملی ون دایک آشنا شدیم، اجازه دهید که یکی از سرمقاله‌های نشریات غربی در مورد پروژه انرژی هسته‌ای ایران را تحلیل کنیم تا ببینیم ایدئولوژی نویسنده تا چه حد و به چه صورت در آنچه او به رشته تحریر درآورده، تاثیر گذاشته است. برای نمونه بخش‌هایی از یکی از سرمقاله‌های مجله تایم را انتخاب کرده‌ایم. این مقاله به‌وسیله جاناتان مک‌گیری^{۲۵} نوشته شد و در تاریخ ۲۶ مارس ۲۰۰۶ بر روی وبسایت این مجله قرار گرفته است^{۲۶}. البته لازم به ذکر است که تنها بخشی از روش‌های ارائه شده توسط ون دایک در این مقاله به‌کار گرفته شده‌اند. به جهت سهولت بیشتر در تحلیل، پاراگراف‌ها را شماره‌گذاری کرده‌ایم:

آیا این مرد به بمب دست پیدا می‌کند؟

۱- همانطور که جهان سراسیمه در جستجوی یافتن راهی برای مهار ایران و رئیس جمهور آنتین مزاج^{۲۷} آن، محمود احمدی نژاد است، تایم، تهدیدهای بالقوه ایران را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

۲- اجازه بدهید با این جمله ساده شروع کنیم: هیچ‌کس دلش نمی‌خواهد ایران صاحب بمب اتمی شود. این کشور هنوز دارای سلاح‌های اتمی نیست ولی بیشتر کشورهای جهان مشکوکند که این کشور تحت پوشش برنامه انرژی هسته‌ای، کمر به ساخت این بمب‌ها بسته باشد و رجزخوانی‌های نیم‌بند رئیس جمهور محمود احمدی نژاد فقط این تفکر را تقویت کرده است. به همین دلیل است که دیپلمات‌ها و بازرسان اتمی در ایالات متحده، اروپا و سایر نقاط جهان، این همه وقت برای متوقف کردن برنامه هسته‌ای ایران صرف کرده‌اند.

۳- به هر حال، اقدامات مشترک دیپلماتیک تاکنون نتایج چندانی به بار نیاورده است. استراتژی امنیت ملی دولت بوش که همین ماه گذشته منتشر شد، ایران را چالش‌برانگیزترین "تک کشور"^{۲۸} برای منافع ایالات متحده نامیده و راه حمله احتمالی پیشگیرانه به برنامه هسته‌ای ایران را باز گذاشته است. ایالات متحده و اروپا، روسیه و چین را متقاعد کرده‌اند در گزارش کردن کوتاهی ایران در همکاری با تقاضاهای بین‌المللی به شورای امنیت سازمان ملل متحد، به آنها بیبوندند، اما هر دوی این کشورها با اقدامات تنبیهی مانند تحریم‌های اقتصادی مخالفت کردند. ایالات متحده آمریکا، هفته قبل را صرف واداشتن^{۲۹} پنج عضو دائم شورای امنیت به امضا کردن بیانیه‌ای کرد که از ایران می‌خواست درهای آزمایشگاه‌ها و مراکز اسناد خود را بر روی بازرسی‌های سرزده بین‌المللی باز بگذارد، اما این برنامه از سوی روسیه که می‌خواست شورای امنیت کلا در این مسئله درگیر نشود، با مقاومت مواجه شد. یک مقام بلندپایه آمریکایی گفت، "این، یک مشکل اساسی است". کاندولیزا رایس وزیر امور خارجه آمریکا تلفنی با سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه صحبت کرد اما نتیجه کمی حاصل شد. برنامه او این است که در این هفته از برلین، پاریس و بریتانیا دیدار کند تا بتواند پشتیبانی کامل شورای امنیت را به دست آورد. در همین حال، تهران کار پژوهشی خود بر روی غنی‌سازی اورانیوم، که موضوع اصلی اختلافات بوده را سرعت بخشیده است. دیپلمات‌هایی که با بازرسان بین‌المللی در برنامه اتمی ایران صحبت کرده‌اند می‌گویند این کشور توانایی غنی‌سازی اورانیوم را به دست آورده، که این توانایی گام اول در مسیر ساخت بمب اتمی است. یک مقام آمریکایی گفت، "آنها سریع‌تر از آنچه ما فکر می‌کردیم، پیشرفت می‌کنند"، وی ادامه داد، "به نظر می‌رسد آنها می‌دانند چه می‌کنند".

۴- شرایط به بن‌بست رسیده است. ایالات متحده و ایران با موافقت در مورد گفتگو درباره مداخله ایران در عراق، تمایل کمی به کم کردن تنش نشان داده‌اند، اما مشخص نیست که تهران می‌خواهد از گفتگوها درباره عراق، برای بازکردن مسیر برای گفتگو درباره مسائل هسته‌ای استفاده کند، یا قصد دارد با این گفتگوها توجه غرب را از این مسئله منحرف کند. علی لاریجانی، مذاکره‌کننده ارشد، به تایم گفت که رژیم ممکن است در مسئله هسته‌ای دست به مصالحه بزند: "اگر طرحی وجود داشته باشد که بخشی از حقوق ایران در آن تضمین

شده باشد، و بقیه حقوق هم از راه گفتگو قابل حصول باشند، ما آماده‌ایم". با این وجود، دستگاه بوش انتظار ندارد که گفتگوهای عراق به پیشرفت خاصی در مسئله هسته‌ای منجر شود. استفن هادلی، مشاور امنیت ملی، پیشنهاد ایران را رد کرده و آن را "فقط یک ابزار مورد استفاده ایرانی‌ها برای دفع فشاری که از نیویورک به آنها اعمال می‌شود"، خواند.

۵- تمایل ایالات متحده و اروپا برای حل و فصل مشکلات همیشه با پیش‌بینی ناپذیری ایران مواجه شده است. در حال حاضر عده کمی در بیرون از تهران وجود دارند که رفتار ایران را چیزی جز آشوب طلبی^{۳۰} (اگر نه شرارت^{۳۱})، بدانند. غرب بر اساس این فرض عمل می‌کند که ایرانی‌ها در تلاش برای توسعه هرچه سریع‌تر فناوری و تخصص لازم برای ساخت بمب هستند. این بمب می‌تواند به پشتیبانی رژیم از تروریسم، تمایل آشکار آن به نابودی اسرائیل و شکل‌گیری مسابقه تسلیحاتی در خاورمیانه کمک کند. بنابراین غرب نمی‌تواند به آنها اجازه دهد که موفق شوند. با این وجود، آنچه در عمل رخ داده، نشان می‌دهد که هنوز تا ایجاد یک ائتلاف فاصله زیادی وجود دارد. تاریخ نشان داده که مهار کردن جاه طلبی‌های دولتی که مصمم به دستیابی به بمب اتمی است، چقدر مشکل است. مثال‌های هند، پاکستان و کره شمالی را شاهد بوده‌ایم. همه آنها به‌طور آشکار رو در روی اعتراض‌های بین‌المللی علیه دستیابی آنها به سلاح اتمی ایستادند.

اکنون با استفاده از روش ون دایک در تحلیل گفتمان انتقادی، متن مقاله بالا را گام به گام تحلیل می‌کنیم.

آیا این مرد به بمب دست پیدا می‌کند؟

در همین تیتیر مقاله می‌توان پی برد که "این مرد" و نویسنده مقاله در چه جایگاه‌هایی قرار می‌گیرند. مک‌گیری تیتیر را به صورت سوالی مطرح کرده و بنابراین خود را از قرار گرفتن در معرض اتهام توهین و افترا رها کرده است. در کنار این تیتیر تصویری از محمود احمدی نژاد، رئیس‌جمهور ایران آورده شده که نشان می‌دهد منظور از "این مرد" چه کسی است. پیش‌فرض تلاش "این مرد" برای دستیابی به بمب که در این تیتیر مطرح شده تا آخر مقاله به‌مثابه یک امر صحیح، پذیرفته شده و مورد استناد قرار می‌گیرد. این نکته نیز قابل ذکر است که آنچه در این سوال مفروض گرفته شده، این است که این مرد قصد دستیابی به سلاح هسته‌ای دارد و آنچه مورد سوال قرار گرفته این است که سرانجام "این مرد" به "بمب" دست پیدا می‌کند یا نه.

۱ - همانطور که جهان سراسیمه در جستجوی یافتن راهی برای مهار ایران و رئیس‌جمهور آتشین‌مزاج آن، محمود احمدی نژاد است، تایم، تهدیدهای بالقوه ایران را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

توجه کنید که گزاره اول در این پاراگراف آشکارا گزاره دوم را تلویح می‌کند. اگر رئیس‌جمهور ایران "آتشین‌مزاج" و خود ایران "مهار" ناپذیر است، برای جهان تهدید بالقوه محسوب می‌شود. سرمقاله نویس توضیحی درباره معیارهای "آتشین‌مزاج" و "مهار ناپذیر" بودن چیست، ارائه نمی‌دهد. واژه "جهان" در ابتدای پاراگراف، تلویح‌کننده نوعی مشروعیت برای موضع‌گیری تایم است: کشوری که جهان را به ورطه آشفتگی

می‌اندازد، به‌طور حتم فاقد مشروعیت است. همچنین به کار بردن واژه “جهان” به‌طور ضمنی، همراهی مردم دنیا با نظرات مک‌گیری را تلویح می‌کند.

۲- اجازه بدهید با این جمله ساده شروع کنیم: هیچ‌کس دلش نمی‌خواهد ایران صاحب بمب اتمی شود. این کشور هنوز دارای سلاح‌های اتمی نیست ولی بیشتر کشورهای جهان مشکوکند که این کشور تحت پوشش برنامه انرژی هسته‌ای، کمر به ساخت این بمب‌ها بسته باشد و رجزخوانی‌های نیم‌بند رئیس‌جمهور محمود احمدی‌نژاد فقط این تفکر را تقویت کرده است. به همین دلیل است که دیپلمات‌ها و بازرسان اتمی در ایالات متحده، اروپا و سایر نقاط جهان، این همه وقت برای متوقف کردن برنامه هسته‌ای ایران صرف کرده‌اند.

در این پاراگراف هم نویسنده با استفاده از مهارت‌های نوشتاری، سعی کرده با تلویح این مسئله که ایران در حال دستیابی به بمب اتمی است و “هیچ‌کس” دوست ندارد ایران صاحب بمب اتمی شود، شروع کند. در اینجا آشکارا رد پای مقوله‌های ایدئولوژیک را می‌بینیم. در ادامه خواهیم دید که منظور از “هیچ‌کس” در واقع دسته خاصی از کشورهایی است که به‌زعم مک‌گیری دوست آمریکا محسوب می‌شوند. در بخش بعدی بدون هیچ مدرکی ادعا می‌شود که بیشتر کشورها به ایران مشکوک هستند؛ برای تقویت این ادعا به “رجز خوانی‌های نیم‌بند”^{۳۲} رئیس‌جمهور محمود احمدی‌نژاد اشاره می‌شود. اصطلاح “نیم‌بند” در اینجا خود دارای تناقض است. اگر این ادعاها توخالی است، پس دلیلی برای نگرانی وجود ندارد و اگر این رجز خوانی‌ها مبتنی بر واقعیت است، آنگاه به کار بردن اصطلاح “نیم‌بند” نامناسب به‌نظر می‌رسد. یکی از تلویحات موجود در این بخش، دیکتاتوری در ایران است. نویسنده چنان به مسئله هسته‌ای ایران می‌نگرد که گویی ایران معادل محمود احمدی‌نژاد است و این پیش‌فرض تا انتهای مقاله حفظ می‌شود. از سوی دیگر، از آنجا که ایران همواره تلاش برای دستیابی به بمب اتمی را رد کرده است (آموزگار، ۲۰۰۶)، نویسنده باید مدارکی برای ادعای خود مطرح کند، اما این نویسنده با ارجاع مکرر به “جهان” و “هیچ‌کس” پیش‌فرض‌های اثبات نشده خود را مسلم فرض می‌کند. در انتهای این پاراگراف هم به این گزاره‌های اثبات‌نشده استناد می‌شود تا مشخص شود که چرا “دیپلمات‌ها و بازرسان اتمی در ایالات متحده، اروپا و سایر نقاط جهان، این همه وقت برای متوقف کردن برنامه هسته‌ای ایران صرف کرده‌اند.”

۳- به هر حال، اقدامات مشترک دیپلماتیک تاکنون نتایج چندانی به بار نیاورده است. استراتژی امنیت ملی دولت بوش که همین ماه گذشته منتشر شد، ایران را چالش‌برانگیزترین “تک‌کشور” برای منافع ایالات متحده نامیده و راه حمله احتمالی پیشگیرانه به برنامه هسته‌ای ایران را باز گذاشته است [۰.۰]. دیپلمات‌هایی که با بازرسان بین‌المللی در برنامه اتمی ایران صحبت کرده‌اند می‌گویند این کشور توانایی غنی‌سازی اورانیوم را به‌دست آورده، که این توانایی گام اول در مسیر ساخت بمب اتمی است. یک مقام آمریکایی گفت، “آنها سریع‌تر از آنچه ما فکر می‌کردیم، پیشرفت می‌کنند”، وی ادامه داد، “به نظر می‌رسد آنها می‌دانند چه می‌کنند.”

در این پاراگراف نسبتاً طولانی، نویسنده تلاش کرده تا نشان دهد که همه راه‌های مسالمت‌آمیز برای حل و فصل مسالمت‌آمیز بحران هسته‌ای ایران، آزمون و رد شده‌اند. در این پاراگراف هر چند نویسنده، حرفی از حمله نظامی نزده است اما هر خواننده‌ای می‌تواند با خواندن این پاراگراف به راحتی به این نتیجه برسد که راهی جز حمله نظامی باقی نمانده است. در واقع، شاید "حمله پیشگیرانه" آخرین حربه مقابله با یک رئیس‌جمهور آتشین مزاج و قدرت‌طلب است و از آنجا که این "حمله"، "پیشگیرانه" است، پس دارای مشروعیت هم هست. در آخر پاراگراف نویسنده با آوردن نقل قولی از یک مقام آمریکایی بدون نام، تلاش کرده به تصمیم‌گیران کاخ سفید القا کند که پیش از این که دیر شود، دست به کاری بزنند؛ در غیر این صورت، ایران که "گام اول" در مسیر ساخت بمب اتمی را برداشته، به زودی به این "بمب" دست پیدا خواهد کرد. نقل قول‌های مکرری که از مقامات ناشناخته آمریکایی آورده شده‌اند، به‌طور آشکار "ما"ی آمریکایی را در مقابل "آنها"ی ایرانی قرار می‌دهند.

۴ - شرایط به بن‌بست رسیده است. ایالات متحده و ایران با موافقت در مورد گفتگو درباره مداخله ایران در عراق، تمایل کمی به کم کردن تنش نشان داده‌اند، اما مشخص نیست که تهران می‌خواهد از گفتگوها درباره عراق، برای بازکردن مسیر برای گفتگو درباره مسائل هسته‌ای استفاده کند، یا قصد دارد با این گفتگوها توجه غرب را از این مسئله منحرف کند. علی لاریجانی، مذاکره‌کننده ارشد، به تایم گفت که رژیم ممکن است در مسئله هسته‌ای دست به مصالحه بزند: "اگر طرحی وجود داشته باشد که بخشی از حقوق ایران در آن تضمین شده باشد، و بقیه حقوق هم از راه گفتگو قابل حصول باشند، ما آماده‌ایم." با این وجود، دستگاه بوش انتظار ندارد که گفتگوهای عراق به پیشرفت خاصی در مسئله هسته‌ای منجر شود. استفن هادلی، مشاور امنیت ملی، پیشنهاد ایران را رد کرده و آن را "فقط یک ابزار مورد استفاده ایرانی‌ها برای دفع فشاری که از نیویورک به آنها اعمال می‌شود"، خواند.

در این پاراگراف، نویسنده به‌طور صریح‌تر با تصمیم‌گیران کاخ سفید صحبت می‌کند: "شرایط به بن‌بست رسیده است." برای تقویت این ادعا تلاش شده تا به استدلال‌های مخالف از پیش پاسخ داده شود: "اما مشخص نیست که تهران می‌خواهد از گفتگوها درباره عراق... یا قصد دارد با این گفتگوها توجه غرب را از این مسئله منحرف کند." در پایان پاراگراف با نقل قول از مشاور امنیت ملی کاخ سفید سعی کرده تا نشان دهد که نگاه او همان نگاه تصمیم‌گیران کاخ سفید است.

مک‌گیری با استفاده از روش "اگرچه... اما" نشان داده که اگرچه امیدهایی برای بهبود وضعیت وجود دارد، اما این امیدها چنان ضعیفند که می‌توان آنها را "فقط یک ابزار مورد استفاده ایرانی‌ها برای دفع فشاری که از نیویورک به آنها اعمال می‌شود"، دانست.

۵ - تمایل ایالات متحده و اروپا برای حل و فصل مشکلات همیشه با پیش‌بینی ناپذیری ایران مواجه شده است. در حال حاضر عده کمی در بیرون از تهران وجود دارند که رفتار ایران را چیزی جز آشوب‌طلبی (اگر نه شرارت)،

بدانند. غرب بر اساس این فرض عمل می‌کند که ایرانی‌ها در تلاش برای توسعه هرچه سریع‌تر فناوری و تخصص لازم برای ساخت بمب هستند. این بمب می‌تواند به پشتیبانی رژیم از تروریسم، تمایل آشکار آن به نابودی اسرائیل و شکل‌گیری مسابقه تسلیحاتی در خاورمیانه کمک کند. بنابراین غرب نمی‌تواند به آنها اجازه دهد که موفق شوند. با این وجود، آنچه در عمل رخ داده نشان می‌دهد که هنوز تا ایجاد یک ائتلاف فاصله زیادی وجود دارد. تاریخ نشان داده که مهار کردن جاه طلبی‌های دولتی که مصمم به دستیابی به بمب اتمی است، چقدر مشکل است. مثال‌های هند، پاکستان و کره شمالی را شاهد بوده‌ایم. همه آنها به‌طور آشکار رو در روی اعتراض‌های بین‌المللی علیه دستیابی آنها به سلاح اتمی ایستادند.

در این پاراگراف، نویسنده به انسجام سراسری متن خود شکل می‌دهد. "آشوب‌طلبی" و "شرارت" ایران نه براساس شواهد و مستندات که بر اساس "آتشین مزاج" بودن محمود احمدی نژاد، اثبات می‌شود. مسائلی مانند "پشتیبانی رژیم از تروریسم" بدون ارائه هیچ مدرکی و حتی نقل قولی از یک مقام بی‌نام (چنانکه در این مقاله بارها از این نقل قول‌ها به‌مثابه مدرک استفاده شده)، پیش‌فرض شده‌اند. گزاره "مهار کردن جاه طلبی‌های دولتی که مصمم به دستیابی به بمب اتمی است" به‌طور آشکار ایران را به تلاش مجدانه برای دستیابی به بمب اتمی متهم می‌کند و مقایسه ایران با کشورهای هند، پاکستان و کره شمالی در ادامه تلاش مک‌گیری و دست‌اندرکاران تایم برای تاثیرگذاری بر افکار عمومی و تصمیم‌گیران کاخ سفید آورده شده است. "مسابقه تسلیحاتی" در منطقه حساس خاورمیانه هم به‌اندازه خود کافی است تا حساسیت‌های کشورهای ضعیف‌تر منطقه را برانگیزد.

اجازه بدهید یک بار دیگر آنچه در این مقاله گذشت را مرور کنیم. ایران کشوری است که در آن فقط یک "مرد" تصمیم می‌گیرد. "این مرد" "آتشین مزاج" که "رئیس جمهور" ایران هم هست، آرزوهای جاه طلبانه‌ای دارد و تنها راه رسیدن به این آرزوها دستیابی به "بمب" اتمی است. از سوی دیگر "اقدامات مشترک دیپلماتیک" تاکنون بی‌نتیجه مانده و به‌ظاهر ایران "توانایی غنی‌سازی اورانیوم را به‌دست آورده" است. در ضمن روزنه‌های امید هم بسته شده و انتظار نمی‌رود که "گفتگوهای عراق به پیشرفت خاصی در مسئله هسته‌ای منجر شود". پیشرفت‌های ایران چنان چشم‌گیر بوده که روسیه و چین "با اقدامات تنبیهی مثل تحریم‌های اقتصادی مخالفت کردند". در پایان هم مشخص می‌شود که "مهار کردن جاه طلبی‌های" ایران بسیار مشکل شده و موارد "هند، پاکستان و کره شمالی" نشان می‌دهند که سرانجام ماجرای هسته‌ای ایران با تعلق کشورهای غربی چه می‌شود. این متن بخش مجازی طولانی‌تری دارد که با تمام شدن متن مادی در ذهن خواننده تولید می‌شود. در واقع ناگفته‌های این متن بسیار مهم‌تر از گفته‌های آن هستند.

نتیجه‌گیری:

مقاله‌ها و مطالب نوشتاری در رسانه‌ها مملو از نظرات هستند. این نظرات بسته به نوع و جایگاه روزنامه می‌توانند در پیش فرض‌های ایدئولوژیک خود بسیار متفاوت باشند. این فرمول‌بندی معمولی می‌گوید که ایدئولوژی‌های

روزنامه‌نگاران بر نظرات آنها تأثیر می‌گذارد و این مسئله ساختارهای گفتمانی در مقالات و یادداشت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ایدئولوژی‌ها، نگرش‌های خاص گروه‌ها را سازماندهی می‌کنند؛ این نگرش‌ها می‌توانند به شکل نظرات شخصی در مدل‌ها بازنمایی شوند و سرانجام این نظرات شخصی می‌توانند در متون و گفتگوها بیان شوند. این روش معمول و غیرمستقیم نمود ایدئولوژی‌ها در گفتمان است. البته ما در مباحث قبلی دیدیم که در برخی اشکال گفتمان، ایدئولوژی‌ها می‌توانند به‌طور مستقیم هم در قالب جملات کلی بیان شوند. در مقاله‌ای که مرور کردیم، دیدیم که چگونه قطبی‌سازی، کاربرد تلویحات، زمینه‌پردازی و... می‌توانند بدون این که به وجهه بی‌طرفانه یک متن آسیب برسانند، نیت نویسنده که بازنمایی از منافع گروه وی است را بازنمایی کنند.

منابع

منابع فارسی

- سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۸۴). قدرت، گفتمان و زبان، سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر نی.
- غیاثیان، م. (۱۳۸۸). "بازتاب نگرش فرهنگی غرب نسبت به ایران در ساخت‌های زبانی نشریات انگلیسی زبان"، در فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۲(۱)، ۱۲۳-۱۳۹.
- مک دانل، دایان (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر نظریه‌های تحلیل گفتمان. ترجمه حسین علی نودری. تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.

منابع انگلیسی

- Amuzegar, J. (۲۰۰۶), "Nuclear Iran: prospects and perils", In *Middle East Policy*, ۱۳: ۲.
- Asa Berger, A. (۱۹۹۷). *Narrative in popular culture, media and everyday life*. London: Sage Publications.
- Bhatia, A. (۲۰۰۶). *Critical discourse analysis of political press conferences*. London and New York: SAGE Publications.
- Blommaert, J. & Verschueren, J. (۱۹۹۸). *Debating diversity, analyzing the discourse of tolerance*. London: Routledge.
- Chouliaraki, L. (۲۰۰۴), "Watching 11 September: The politics of pity", In *Discourse & Society*, ۱۵, ۱۸۵-۱۹۸.
- Fakhri, A. (۲۰۰۴), "Rhetorical properties of Arabic research article introductions", In *Journal of Pragmatics*, ۳۶, ۴, ۱۱-۱۹.
- Flowerdew, J. (۱۹۹۹), "Discussion, description and interpretation in critical discourse analysis", In *Journal of Pragmatics*, ۳۱(۸), ۱۰۸۹-۱۰۹۹.
- Gerstl-Pepin, C. I. (۲۰۰۲), "Media (mis)representations of education in the ۲۰۰۰ presidential election", In *Educational Policy*.
- Huckin, T. N. (۲۰۰۲), "Textual silence and the discourse of homelessness", In *Discourse & Society*, ۱۳, ۳, ۳۴۷-۳۷۲.
- Koller, V. (۲۰۰۵), "Critical discourse analysis and social cognition: Evidence from business media discourse", In *Discourse & Society*, ۱۶, ۱۹۹-۲۲۴.

- Kumar, D. (۲۰۱۰), “*Framing Islam: The resurgence of Orientalism during the Bush II era*”, In *Journal of Communication Inquiry*, ۳۴, ۳, ۲۵۴-۲۷۷.
- Lambrecht, K. (۱۹۹۴). **Information structure and sentence form: Topic, focus, and the mental representations of discourse referents**. Cambridge: Cambridge University Press.
- Livesey, S. M. (۲۰۰۲), “**Global warming wars: Rhetorical and discourse analytic approaches to Exxon Mobil’s corporate public discourse**”, In *Journal of Business Communication*, ۳۹(۱), ۱۱۷-۱۴۶.
- Pednekar-Magal, V., & Remlinger, K. (January ۰۱, ۲۰۰۶), “**Jobs are Going Overseas: The Discursive construction of outsourcing**”, In *Journal of Creative Communications*, ۱(۳) ۲۵۳-۲۶۶.
- Said, E. (۱۹۹۷). **Covering Islam**. New York: Vintage Books.
- Van Dijk, T. A. (۱۹۹۱). “**Racism and the press**”. In **Critical studies in racism and migration**. London: Routledge.
- Van Dijk, T. A. (۱۹۹۳), **Elite discourse and racism**, In *Sage series on race and ethnic relations*, v. ۶, Newbury Park, Calif, Sage Publications.
- Van Dijk, T. A. (۱۹۹۸). “**Opinions and ideologies in press**”. In Bell, A., & Garrett, P. (eds). **Approaches to media discourse**. Pages ۲۱-۶۳, Oxford: Blackwell.
- Van Dijk, T. A. (۱۹۹۸), “**Editorial: Discourse and ideology**”, In *Discourse & Society*, ۹, ۳, ۳۰۷-۳۰۸.
- Van Dijk, T. A. (۱۹۹۸). **Ideology: A multidisciplinary approach**. London: Sage Publications.
- Van Dijk, T. A. (۱۹۹۹), “**On ideology: A rejoinder**”, In *Discourse & Society*, ۱۰(۳), ۴۵۴-۴۵۶.
- Van Dijk, T. A. (۱۹۹۸), “**Editorial: Discourse and ideology**”, In *Discourse & Society*, ۹, ۳, ۳۰۷-۳۰۸.
- Van Dijk, T. A. (۲۰۰۱), “**Discourse, ideology and context**”, In *Folia Linguistica*, ۳۵, ۱۱-۴۰.
- Van Dijk, T. A. (۲۰۰۶), “**Introduction: Discourse, interaction and cognition**”, In *Discourse Studies*, ۸, ۱, ۵-۷.
- Velasco-Sacrista’n, M. & Fuertes-Olivera, P. A. (۲۰۰۶), “**Towards a critical cognitive-pragmatic approach to gender metaphors in advertising English**”, In *Journal of Pragmatics*, ۳۸(۱), ۱۹۸۲-۲۰۰۲.

^۱ Ball
^۲ Taylor
^۳ Gerstl-Pepin
^۴ Chouliaraki
^۵ A history of the present
^۶ Sharon M. Livesey
^۷ Fakhri
^۸ Huckin
^۹ Bhatia
^{۱۰} Koller
^{۱۱} Pednekar-Magal
^{۱۲} Remlinger
^{۱۳} Flowerdew
^{۱۴} Velasco-Sacrista’n
^{۱۵} Fuertes-Olivera
^{۱۶} Wodak
^{۱۷} Discourse Sociolinguistics

-
- ^{۱۸} Fairclough
^{۱۹} Sociocognitive
^{۲۰} Constructive
^{۲۱} Setting
^{۲۲} Ideological categories
^{۲۳} Evaluative
^{۲۴} Formal Structures
^{۲۵} Johanna McGary
^{۲۶} <http://www.time.com/time/magazine/article/0,9171,1177010,00.html>
^{۲۷} Fiery
^{۲۸} Single Country
^{۲۹} Pushing
^{۳۰} Destabilizing
^{۳۱} Sinister
^{۳۲} Loose-Cannon Bluster



This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.

